عضو شورای مرکزی اتحاد ملت:

روحانی مصلحت اندیشی و آینده‌نگری شخصی می کند

سرویس سیاسی– عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت بیان کرد: یکی از ضعف‌های اصلاح‌طلبان این است که بدون نقشه و تدبیر و دوراندیشی وارد کارزار انتخابات می‌شوند، مردم را تشویق و تهییج می‌کنند اما پس از آن همان فرد یا گروه مورد حمایت، اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی را فراموش می‌کنند، روحانی هم دچار چنین معضلی شد.

جلال جلالی‌زاده عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت و ازجمله فعالان اقوام و مذاهب هم به عملکرد دولت روحانی در این حوزه‌ها نمره قبولی نمی‌دهد و معتقد است که روحانی بیش از آنچه انتظار می‌رفت رو به محافظه‌کاری آورده است. مشروح گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

برخی ناظران معتقدند که در حوزه سیاست داخلی دولت روحانی ضعف‌های جدی داشته است. آیا شما هم با این گزاره موافق هستید؟ در این صورت دلیل این ناکامی و ضعف را متوجه دولت و شخص روحانی می‌دانید؟

در مقدمه باید بگویم که همواره مجموعه یا دولتی موفق است که از هدف واحد برخوردار و همدلی در آن جریان داشته باشد. همچنین مدیر یا مدیرانی که یک مجموعه را هدایت می‌کند، توانمندی جهت دادن به اعضای مجموعه را داشته باشد. همچنین یک مجموعه یا دولت باید از وحدت فکری و عقیدتی و استراتژی برخوردار باشد. متاسفانه دولت آقای روحانی، دولت یکدست و وزرا هم از یک جناح نبوده و بعضا حتی همفکر شخص حسن روحانی هم نبوده‌اند.

آقای روحانی موجب شده نوعی نارضایتی و ناخشنودی از جانب مردم و رای‌دهندگان به او ایجاد شود. دولت روحانی در سطح ملی موفق نبوده است. اگر اعضای یک دولت با رییس‌جمهوری همراه نباشند، دلسوز نباشند، رییس‌جمهوری ترسو باشد یا قاطعیت نداشته باشد یا به وعده‌هایش عمل نکند، نتیجه خوبی نخواهد گرفت. اما به طور مثال در استان کردستان به دلیل زحمات و پیگیری‌های استاندار، مردم از استاندار کردستان راضی هستند. در برخی استان‌های دیگر نیز کم و بیش به چشم می‌خورد که مردم از استاندار رضایت دارند و البته این رضایت به معنای این نیست که دولت در سطح کلان و ملی موفق عمل کرده است؛ بلکه به‌خاطر اینکه استاندار یا مدیران دلسوز و بومی هستند، پیگیر مطالبات مردم هستند.

اینکه حسن روحانی نتوانست در زمینه سیاست داخلی کاری از پیش ببرد یا به قولی برجام داخلی ایجاد کند، متاثر از ساختار سیاسی اصلاح‌ناپذیر است یا کوتاهی رییس‌جمهوری نیز در این امر غیرقابل انکار به نظر می‌رسد؟

متاسفانه ما نتوانستیم مردم را در مورد چارچوب وظایف قوه مجریه و شخص رییس‌جمهوری آگاه کنیم و همواره در مورد آن دسته از وظایفی که برعهده رییس‌جمهوری است و می‌تواند در آن زمین بازی کند، دچار تناقض و پارادوکس آشکاری هستیم. فارغ از این و با وجود اینکه مردم شاید چندان بر این محدودیت‌ها و چارچوب وظایف آشنایی نداشته باشند اما به هر روی در همین حوزه هم شاهد ناکارآمدی‌های بسیاری بوده و هستیم. آقای روحانی شاید در بین روسای‌جمهور، ضعیف‌ترین و کم‌اقبال‌ترین رییس‌جمهوری است که دوران حضورش بر مسند قوه مجریه را به آخر می‌رساند.

شاهد بودیم که در عوض این حمایت گسترده اقوام و مذاهب از حسن روحانی، هیچ اقدام قابل توجهی از سوی دولت برای این گروه‌ها صورت نگرفت. در حوزه زنان یا حوزه احزاب هم همین‌طور. درواقع اگر روحانی بخواهد در مورد مسائل داخلی و سیاست داخلی گزارش عملکردی ارایه کند، نقاط روشن اندکی در این کارنامه به چشم می‌خورد، گویی یا کلا در این حوزه دولت را رها کرده و کاری به کار وزرا ندارد یا به دلیل مصلحت‌اندیشی‌ها و آینده‌نگری‌های شخصی در این زمینه ورود چندانی نداشته است. متاسفم که کسی از این همه سرمایه اصلاح‌طلبانه استفاده کرد اما به لحاظ اخلاقی خود را مدیون و وام‌دار حامیان خود نداند.

شما به عنوان کسی که با اقوام و مذاهب در ارتباط هستید، نقصان‌های عملکرد دولت روحانی در این حوزه را چطور می‌بینید؟

اگر بخواهم فقط به یک مورد کوچک اشاره کنم، روحانی در ابتدا یک مشاور اهل سنت انتخاب کرد اما این جایگاه به مرور کمرنگ شد. این پست کارکرد و عملکرد قابل توجهی نداشت و عملا در این دولت نادیده گرفته شد، روحانی حتی حاضر نشد یک وزیر اهل سنت انتخاب و معرفی کند. در زمینه اقوام و مذاهب به این دولت، نقدهای جدی وارد است و مردم از او در این حوزه دلخور هستند.

آقای روحانی بخش قابل توجهی از آرای گروه‌های قومی و مذهبی را کسب کرد اما حاضر نشد مثلا حتی یک سفر به کردستان داشته باشد. روحانی باعث شد که فاصله بسیاری میان اقوام و مذاهب با دولت و حاکمیت ایجاد شود.

یکی از کارویژه‌هایی که اصلاح‌طلبان برای دولت روحانی در نظر داشتند، این بود که روابط میان اصلاح‌طلبان با هسته سخت حاکمیت تسهیل شود. در راس آن بر مساله «رفع حصر» اصرار داشتند و تصور می‌کردند که روحانی گزینه مناسبی برای پیشبرد این هدف بود. ارزیابی شما از عملکرد ایشان در این مدت چیست؟

روحانی که دلش به حال اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی نمی‌سوزد. متاسفانه یکی از ضعف‌های اصلاح‌طلبان این است که بدون نقشه و تدبیر و دوراندیشی وارد کارزار انتخابات می‌شوند، مردم را تشویق و تهییج می‌کنند اما پس از آن همان فرد یا گروهی که حاصل آرای بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان هستند، اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی را فراموش می‌کنند. روحانی هم دچار چنین معضلی شد.

او حتی یک بار هم در مورد اقداماتی که در راستای رفع حصر که مطالبه مهم اصلاح‌طلبان بود، توضیح نداد که چه کرده و چه نکرده است. البته این معضل در مورد سایر مطالبات اصلاح‌طلبان نیز وجود داشته و دارد. روحانی حاضر نشد در این زمینه گزارشی به مردم ارایه کند. متاسفانه خصایص فردی روحانی خیلی به او ضربه زده و موجب شده او از پایگاه مردمی که قبلا داشت، محروم شود. حتی حامیان درجه یک روحانی هم از او گلایه‌مند هستند. او حتی حاضر نشد در این دوران به روسای ستادهای انتخاباتی‌اش وعده ملاقات بدهد.

اخیرا پیشنهاد تشکیل دولت مصالحه ملی مطرح و تاکید شد حالا که گفت‌وگوی ملی و آشتی ملی محقق نشده، دست‌کم دولت به دنبال مصالحه ملی باشد. به نظر شما دولت روحانی در فرصت باقیمانده می‌تواند در این راه گام‌های موثری بردارد؟

فرصت چندانی که باقی نمانده است. ضمن اینکه با شرایط شیوع کرونا و درهم ریختگی اقتصادی و آشفتگی موجود احتمالا دولت کاری از پیش نخواهد برد. زمان در این ماه‌های پایانی به سرعت می‌گذرد که اگر تصمیمی هم وجود داشته باشد به نتیجه نمی‌رسد.

به نظر شما محبوبیت روحانی در ماه‌های پایانی و تحویل دادن پست ریاست‌جمهوری از وضعیت سایر روسای‌جمهوری مثل احمدی‌نژاد، خاتمی و به خصوص هاشمی‌رفسنجانی وخیم‌تر است؟

بله، بسیار زیاد! فکر می‌کنم حتی احمدی‌نژاد چند برابر روحانی میان مردم محبوبیت داشته باشد و اگر روحانی و احمدی‌نژاد با هم رقابت کنند، کفه ترازو به سمت احمدی‌نژاد سنگین‌تر خواهد بود.

اقتصاد کیش
سازمان آگهی ها
۴۴۴۲۰۲۸۴

بهزاد نبوی فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

فساد اقتصادی درد همه نهضت‌هایی است که به نظام تبدیل می‌شوند

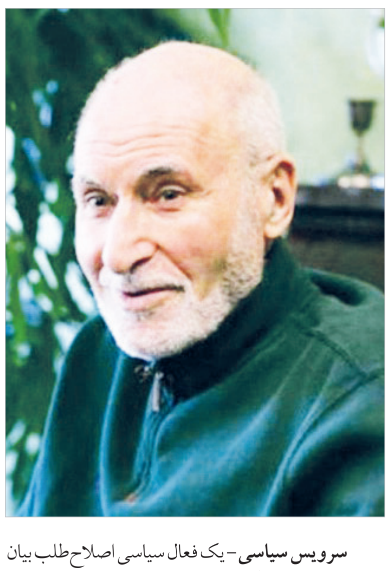

سرویس سیاسی– یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب بیان کرد: بحران سیاست‌گذاری عمدتا از زمان احمدی‌نژاد شروع شد که ترکش‌های آن به دولت روحانی هم رسید و به نظر من بسیاری از مشکلات دولت امروز روحانی معلول اثرات تداوم آن سیاست‌گذاری‌هاست. راه خروج از این بحران‌ها، همان‌طور که بارها در مصاحبه‌های مفصل در این مورد گفته‌ام،

گفت‌وگو با مهندس بهزاد نبوی، دوست، هم‌رزم و عضو کابینه شهید رجایی و نیز قدیمی‌ترین چریک ایران، با شرایط جسمی که ایشان داشت، چندان آسان نبود؛ اما این گفت‌وگو را پذیرفتند. بخوانید:

اولین آشنایی شما با شهید رجایی چه زمانی بود؟

تا اواخر سال ۱۳۵۲ بیش از ۱۸ ماه در سلول انفرادی زندان اوین بودم و بعد از یک سری جابه‌جایی‌ها که آنجا انجام شد، در تابستان سال ۱۳۵۴ شهید رجایی را از «کمیته ضدخرابکاری» به آنجا آوردند که من پیش از ایشان در آنجا بودم. اولین آشنایی من با او در بند ۲ زندان اوین بود که احتمالا همین ۳۵۰امروزی است که چهار بند داشت. خیلی زود ما یکدیگر را پیدا کرده و با هم دوست شدیم؛ چراکه همفکر و هر دو به مواضع و عملکرد مجاهدین خلق معترض بودیم. آن روزها، روزهایی بود که بخشی از اعضای آن سازمان مارکسیست شده بودند و شهید رجایی و من اساس این مارکسیست‌شدن را تفکر مجاهدین خلق می‌دانستم و پس از بررسی در احوالات مارکسیست‌شده‌ها، به این نتیجه رسیده بودیم که تفکر سازمان، تفکری التقاطی بود و ما معتقد بودیم آن تفکر التقاطی سبب مارکسیست‌شدن جمعی از اعضا شده است. شهید رجایی و من تا اسفند سال ۱۳۵۶، یعنی بیش از دوسال‌ونیم کنار هم در زندان اوین بودیم؛ تا اینکه به دلیل آغاز بازدید صلیب سرخ از زندان‌های سیاسی، برای اینکه کسانی که آثار شکنجه در بدنشان هست در معرض دید صلیب سرخ نباشند، شهید رجایی، من و عده زیاد دیگری را به زندان شماره ۳ قصر فرستادند؛ با این امید که ناظران صلیب سرخ به آنجا نمی‌آیند. مدتی با هم در آنجا بودیم و بعد دوباره شهید رجایی را به خاطر اینکه کسانی که بازداشت شده بودند، اعتراف‌هایی در مورد ایشان کرده بودند، برای بازجویی به زندان اوین برگرداندند. مدتی از هم جدا بودیم تا اینکه من را با طی مراحلی به زندان شماره ۴ قصر بردند و شهید رجایی هم دوباره در آنجا به ما پیوست. در چهارم آبان ۱۳۵۷ به عده‌ای که محکومیت آنان کمتر از پنج سال بود، ازجمله شهید رجایی، عفو عمومی دادند و من هم در دوم آذر همان سال ۱۳۵۷ به دلیل محکومیت ۱۰ ساله، در مرحله بعد مشمول عفو عمومی شدم. از آن پس در خارج از زندان تا انقلاب با هم ارتباط داشتیم. ارتباطات پس از انقلاب ما نیز از کمیته مرکزی انقلاب اسلامی آغاز شد و با شهادت ایشان خاتمه پیدا کرد.

فکر می‌کنید در آن سال‌ها شهید رجایی انتخاب درستی برای نخست‌وزیری و بعد هم ریاست‌جمهوری بود؟

پیشنهاد نخست‌وزیری به ایشان از طرف حزب جمهوری اسلامی بوده و احتمالا از سوی شهید بهشتی به نمایندگی از طرف حزب به او داده شده بود. اطلاع من از آن پیشنهاد به این شکل بود که شهید رجایی هفته‌ای یک روز برای دیدار و تبادل نظر به دفتر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌آمد، یک روز که برای همین دیدارها آمده بود، با شوخی و خنده گفت فلانی می‌دانی چه شده؟ پرسیدم چه شده؟ گفت به من پیشنهاد نخست‌وزیری داده‌اند و هر دو به خنده و شوخی گذراندیم. در اولین مرحله برای خود شهید رجایی و من هم چنین سؤالی مطرح بود که آیا ردای نخست‌وزیری برازنده قامت شهید رجایی هست یا نه؟ بنی‌صدر هم کم‌وبیش همین‌طور فکر می‌کرد. البته او چون شهید رجایی را از نظر فکری قبول نداشت، او را دارای صلاحیت برای نخست‌وزیری نمی‌دانست، ولی به نظر من تحلیل و موضع امام(ره) از همه ما صحیح‌تر بود. ایشان در صحبتی بعد از شهادت رجایی و فرار بنی‌صدر گفتند که رجایی عقلش از علمش بیشتر بود که واقعا یک سخن تاریخی بود. من هم بعد از آغاز نخست‌وزیری شهید رجایی، به اشتباه خودمان (من و شهید رجایی) پی بردم که او را دست‌کم گرفته بودیم. البته در سال‌های اول انقلاب، باتجربه‌ترین ما مرحوم بازرگان، با تجربه کوتاه اداره سازمان آب تهران، در دوره نخست‌وزیری مرحوم مصدق بود، ولی تا جایی که به یاد دارم، شهید رجایی خیلی قوی، قاطع و البته همراه با سعه صدر دولت را اداره می‌کرد. حتی به من که خیلی با او محشور بودم، گاهی چشم‌غره‌هایی می‌رفت که اثر داشت و این در حالی بود که من اصولا فردی نبودم که از کسی بترسم. یادم می‌آید یک بار در جلسه‌ای بحث جنگ شد و کمبودهای آن. شهید رجایی یک صحبت شعارگونه کرد. آن‌موقع وضعیت اسلحه و مهمات ما خوب نبود و ایشان نقل به مضمون گفتند جنگ ما وقتی شروع می‌شود که مهمات و سلاح‌مان تمام شود. این سخن در جلسه‌ای بیان شد که تعدادی از اعضای دولت ازجمله مرحوم مهدوی‌کنی در آن شرکت داشتند. پس از سخنان شهید رجایی، آن مرحوم برآشفت و با لحنی تند به شهید رجایی گفت مرد حسابی چه می‌گویی، مگر بدون اسلحه و مهمات می‌شود جنگید... . اگرچه به نظر من اصل حرف ایشان صحیح بود، ولی خیلی برخورد تندی با شهید رجایی کرد؛ درحالی‌که او وزیر کشور و شهید رجایی رئیس‌الوزرا بود. شهید رجایی رنگش پرید و معلوم بود خیلی عصبانی شده، ولی غیظ و خشم خود را فروخورد و بلافاصله گفت از این مسئله عبور کنیم و به مسائل دیگر بپردازیم. من آن سعه صدر فروتنانه را در دل تحسین کردم. مورد دیگر سعه صدر برخورد او با بنی‌صدر بود. یک نوار صوتی از مکالمات تلفنی بنی‌صدر با قطب‌زاده در دست ما بود که در آن بنی‌صدر درباره شهید رجایی لفظ توهین‌آمیزی را به کار برده بود. بنی‌صدر حتی مصاحبه‌های تند و علنی علیه شهید رجایی و همکاران نزدیکش می‌کرد. شهید رجایی همه این مطالب را می‌دانست.

با وجود همه آن برخوردهای تند و بی‌ادبانه خیلی تلاش می‌کرد که برای حفظ وحدت ملی در شرایط جنگ رابطه مناسبی را با بنی‌صدر داشته باشد و هرگز به برخوردهای او پاسخ ندهد. به مجرد آغاز نخست‌وزیری شهید رجایی که درست هم‌زمان با آغاز حمله عراق به ایران در جبهه غرب بود، بنی‌صدر قصد بازدید از جبهه‌های غرب یعنی منطقه ایلام را کرد. شهید رجایی خبردار شد و پس از مشورت به این نتیجه رسید که همراه با بنی‌صدر به جبهه برود و من هم ایشان را همراهی کردم. در منطقه عملیات شهید رجایی تمام مدت سعی می‌کرد که در کنار بنی‌صدر قرار بگیرد؛ ولی بنی‌صدر با تمام توان تلاش می‌کرد از رجایی فاصله بگیرد. به یاد دارم بنی‌صدر بدون اطلاع شهید رجایی سوار اتومبیل می‌شد که برود، رجایی خبردار می‌شد و می‌دوید که خود را به اتومبیل بنی‌صدر برساند و در کنار بنی‌صدر قرار بگیرد تا مردم در شرایط جنگ تصور نکنند بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر اختلاف هست و در این زمینه هم واقعا خیلی ازخودگذشتگی می‌کرد. من خاطره دیگری هم نقل می‌کنم؛ چراکه سؤال‌تان ایهام داشت که تصور می‌شود معتقدید رجایی شاید صلاحیت نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری را نداشت. در جریان مذاکره برای آزادی گروگان‌ها، دو، سه بار امام(ره) ما را خواست و احساس می‌شد که امام دلش می‌خواست ماجرای گروگان‌ها حل شود؛ اما نگران بود که ما یعنی شهید رجایی و من تمایلی به حل مسئله نداشته باشیم. به ما دو بار در ملاقات‌های متفاوت اشاره کرد که مرحوم دکتر یدالله سحابی، همان‌جا دم در (اشاره به در اتاق) ایستاد و زارزار گریه می‌کرد و از من می‌خواست که شما اختیار حل مسئله گروگان‌ها را به رجایی و نبوی ندهید. آنها نمی‌خواهند این مسئله حل شود (نقل به مضمون). من احساس کردم که امام (ره) خودش هم به ما شک دارد و مردد است که شاید ما نمی‌خواهیم این ماجرا حل شود. پس از ملاقات دوم به شهید رجایی گفتم ما که خودمان هم مخالف آزادکردن گروگان‌ها به این شیوه هستیم، بیا کنار بکشیم و هرکسی را که می‌خواهند، مسئول آزادی گروگان‌ها کنند. شهید رجایی در پاسخ گفت اینجاست که ما باید از آبروی خودمان مایه بگذاریم. اگر ما هم طرفدار این روش بودیم که هنری نکرده بودیم. اینجا که مخالفیم، باید از آبروی خودمان مایه بگذاریم و سعی کنیم ماجرای گروگان‌ها را طبق خواست نظام حل کنیم؛ حتی اگر به آن اعتقاد نداشته باشیم و همه به ما مشکوک باشند و صحبت‌های این‌چنینی امام هم تکرار شود. ما باید کاری را که برعهده گرفته‌ایم تا آخر انجام دهیم (نقل به مضمون). نتیجه‌ای که می‌خواهم از این صحبت‌ها بگیرم، این است که رجایی واقعا عقلش بیشتر از علمش بود و همان‌طور که پیش‌تر گفتم، آن زمان هیچ‌یک از ما تجربه‌ای نداشتیم و مجرب‌ترین‌مان مرحوم مهندس بازرگان بود. در کابینه شهید رجایی پروفسورهای اجرائی‌مان شهید عباسپور، شهید کلانتری و شهید قندی بودند که هشت ماه یا یک سال در دولت شورای انقلاب سابقه داشتند. خلاصه درست است که شهید رجایی هم مثل همه مسئولان دولت‌های انقلابی، تجربه و علم مدیریت در آن سطح را نداشت؛ ولی به قول امام (ره) عقلش را داشت و خدایش رحمت کند که در آن شرایط جنگ و بحران خوب کشور را اداره کرد.

اگر شهید رجایی در قید حیات بودند، اصولگرا می‌شدند یا اصلاح‌طلب؟

در زمان شهید رجایی تنها جناح‌بندی‌ای که در درون نیروهای طرفدار انقلاب و نظام وجود داشت، گروه‌های معروف به «خط امام» و گروه‌های همراه با نهضت آزادی، جبهه ملی و ملی–مذهبی بود. بنی‌صدر هم در ابتدا نزدیک به خط‌امامی‌ها و پس از انتخابات ریاست‌جمهوری در کنار دسته دومی و در نهایت مؤتلف مجاهدین خلق شد. در آن روزها هنوز جناح‌های چپ و راست، مسلمان طرفدار انقلاب و نظام یا «اصلاح‌طلب» و «اصولگرا» شکل نگرفته بود و طبعا برای من پیش‌بینی‌پذیر نیست که اگر شهید رجایی امروز در قید حیات بود، به کدام اردوگاه می‌پیوست. البته خیلی علاقه‌مند بوده و هستم که ایشان در ابتدا در جناح «چپ» مسلمان و بعدها در صف اصلاح‌طلبان قرار می‌گرفت؛ ولی این نوع پیشگویی‌ها تنها حاصل امیال و خواسته‌های درونی من است. اگر ایشان گرایش‌های همسرش را داشت، احتمالا در جناح چپ و اگر همفکر برادرش بود، در جناح راست قرار می‌گرفت. البته ایشان در زمان حیاتش با وجود اینکه سوابق زیادی با دوستان نهضت آزادی داشت، در طیف خط‌امامی‌ها قرار گرفت. به یاد دارم که روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ که بنی‌صدر در دانشگاه تهران علیه رجایی و خط‌امامی‌ها صحبت می‌کرد، میلیشیای مجاهدین خلق، خط‌امامی‌هایی را که علیه بنی‌صدر در اطراف محل مراسم تظاهرات می‌کردند، دستگیر و به پشت میکروفون سخنرانی می‌بردند. بنی‌صدر هم به بهانه تظاهرات آنان، با نشان‌دادن کارت‌های کمیته، سپاه و جهاد که به ادعای او از تظاهرکنندگان گرفته بود، سخنرانی تند و تیزی علیه خط‌امامی‌ها کرد. برخی اعضای ارشد نهضت آزادی هم در آن مراسم در دو طرف تریبون سخنرانی بنی‌صدر صف کشیده بودند. شهید رجایی به من گفت در زندان هرگز حتی راضی به شنیدن غیبت در مورد مجاهدین خلق نبود اما با دیدن صحنه‌های آن مراسم، چندبار می‌خواستم آب دهان به صورت فلانی که کنار بنی‌صدر بود، بیندازم. البته اینها مواضع دوره حیات ایشان بود ولی اینکه بتوانم مواضع بعدی او را پیش‌بینی کنم، شدنی نیست.

اگر شهید رجایی زنده بود بزرگ‌ترین اعتراضش برای وضعیت موجود به چه مواردی بود؟

این را هم نمی‌توانم پیش‌بینی کنم ولی باز با شناختی که از آن شهید رجایی دارم، شاید مهم‌ترین اعتراضش به دنیاطلبی و عدم توجه به عدالت اجتماعی بود. او خیلی در این زمینه‌ها سخت‌گیر بود، درباره حقوق ماهانه وزرا و نخست‌وزیر در اولین روزی که هیئت دولت تشکیل شد، از آنها رأی گرفت و تصویب شد که حقوق نخست‌وزیر و وزرا به میزان متوسط حقوق کارکنان دولت باشد. شاید با اکراه برخی از دوستان رأی دادند.

یعنی دوستان راضی نبودند؟

معلوم است که راضی نبودند. متوسط حقوق کارکنان دولت در شهریور ۱۳۵۹، هفت هزارتومان بود و حقوق نخست‌وزیر و وزرا هفت هزارتومان تعیین شد، یک قران بالا و پایین هم نه. پاداش، اضافه‌کاری، حق سفر، حق پست، حق مأموریت، و هیچ دریافت دیگری وجود نداشت. شاید وزیری که وزارتخانه خاص خود را داشت، از آنجا چیزی گیرش می‌آمد (که بعید می‌دانم)، ولی من چون وزیر مشاور و در نخست‌وزیری در کنار شهید رجایی بودم، هیچ راه فراری نداشتم. نخست‌وزیر و وزرا شرایطی نداشته و احتمالا ندارند که بتوانند کار دوم و حتی مسافرکشی داشته باشند و باید همه زندگی را با هفت هزارتومان می‌گذراندند. به یاد دارم سال ۶۰ یا ۶۱ من اولین بار به سفر ترکیه رفتم، در آن مطابق تشریفات مرحوم «تورگوت اوزال» معاون‌اول وقت نخست‌وزیر که همتا و میزبان من بود، یک کیف شبیه کیف‌های «سامسونایت» ولی چرمی ساخت ترکیه به‌عنوان هدیه به من داد. شاید باور نکنید وقتی به تهران آمدم، آن کیف را به قیمت چهار یا هشت هزارتومان فروختم تا بتوانم کسری هزینه‌های زندگی را برای مدتی تأمین کنم. یکی از اقوام برای ما به‌عنوان هدیه ازدواج، ماشین خشک‌کن لباس آورده بود که آن را هم برای همان منظور به چهار هزارتومان فروختیم. شهید رجایی چنین مرام و مشربی داشت و به آنچه می‌گفت، عمل می‌کرد؛ طبعا اگر امروز زنده بود دشمن رفاه‌طلبی‌ها، دنیاطلبی‌ها و... می‌بود. شاید بهتر باشد مورد دیگری را هم اضافه کنم. به یاد دارم در یکی، دو ماه اول نخست‌وزیری ایشان و وزارت من، هرروز صبح با یک هیلمن قدیمی متعلق به یکی از دوستان که بعد از آزادی من از زندان، در اختیار من گذاشته بود، شهید رجایی را از خانه‌اش بر می‌داشتم و با هم به نخست‌وزیری می‌رفتیم.

یعنی شهید رجایی محافظ و راننده نداشت؟

نه محافظ و نه راننده. در راه درددل‌های خصوصی می‌کردیم. یکی از بیشترین ناراحتی‌هایش این بود که می‌گفت حالا که من نخست‌وزیر شده‌ام، در این گیرودار خانمم دارد خانه را رنگ می‌کند. نمی‌دانم خانه شهید رجایی را دیده‌اید که موزه شده است؛ یک خانه یک‌طبقه کلنگی. حالا خانم ایشان که از خودشان هم ریاضت‌کش‌تر بود، می‌خواست دیوارهای خانه را رنگ کند و ایشان آن‌قدر ناراحت شده بود. برای اینکه شهید رجایی را بشناسید، بازهم یک خاطره نقل می‌کنم. یک‌روز من باز با هیلمن دنبالش رفته بودم، دیدم دارند کوچه را آسفالت می‌کنند، رجایی عصبانی شد و داد و بیداد که چرا اینجا را آسفالت می‌کنید، مگر جای دیگری در این مملکت نیست که نیاز به آسفالت داشته باشد. رجایی به‌عنوان نخست‌وزیر، هفته‌ای یک جلسه با سران دو قوه قضائیه و مقننه یعنی شهید بهشتی و مرحوم هاشمی داشت (در واقع جلسه سران سه قوه، بدون رئیس جمهور که آقایان را قبول نداشت). این جلسات چرخشی بود، من هم به‌عنوان «آچارفرانسه» یا «نخودی» در جلسه شرکت می‌کردم. جلسات یک روز در دفتر آقای هاشمی بود و یک روز در دفتر شهید بهشتی و یک روز در دفتر شهید رجایی. در دفتر آن دو بزرگوار، غذاهای درست‌وحسابی نظیر جوجه‌کباب و چلوکباب می‌آوردند ولی نوبت که به شهید رجایی می‌رسید، غذای جیره سپاه حفاظت از نخست‌وزیری را جلوی آقایان می‌گذاشت. سپاه هم در آن زمان فقیر بود و طبعا جیره غذایی‌شان هم فقیرانه بود. منظورم از طرح این خاطرات شناساندن خصوصیات شهید رجایی بود و طبعا خودتان می‌توانید حدس بزنید اگر رجایی امروز در قید حیات بود، چه مواضعی داشت.

چرا در سال‌های اخیر فساد اقتصادی در میان برخی مسئولان دولتی و خانواده‌های آنان زیاد شده است؟

این درد ما نیست، درد همه نهضت‌هایی است که به نظام تبدیل می‌شوند. شهید رجایی و وزرایش با اتوبوس یا هیلمن قراضه‌ای که خودشان رانندگی می‌کردند، سر کار می‌رفتند اما آیا ۱۰ سال بعد وضع به همین منوال بود؟ حتی بعد از شهادت رجایی که مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی، ۴۰ روز نخست‌وزیر شد، یک اضافه‌حقوق حدود ۵۰ درصدی به همه ما داد؛ یعنی حقوق همه ما ۱۰ هزار تومان شد که خیلی هم خوشحال شدیم.

در کابینه آقای مهندس موسوی هم با وجود اینکه ایشان خیلی انسان درویش‌مسلکی بود، حقوق وزرا ۱۲ هزارتومان شد که البته تا آخر دوره هشت‌ساله ایشان افزایش پیدا نکرد. فرق نهضت و نظام را بدانید، روز اول همه انقلابی و همه درویش هستند، بعد از چند سال که نهضت به نظام تبدیل می‌شود، کم‌کم وضع فرق می‌کند و به‌تدریج تغییرات را می‌بینید. همان شهید رجایی هم که با هیلمن دنبالش می‌رفتم بعد از مدتی به این نتیجه رسید یک ماشین آژیردار برای خودش بگیرد. استدلالش هم که صحیح به نظر می‌رسید این بود که وقتی مثلا می‌خواهم پیش امام بروم و نیم‌ساعت بیشتر وقت ندارم، دو ساعت در ترافیک می‌مانم باید وسیله‌ای داشته باشم که بتوانم به سرعت خودم را برسانم. یا می‌گفت بنا دارم به یک جلسه فوری و مهم بروم، باید بتوانم خودم را به‌موقع برسانم و به این ترتیب حتی شهید رجایی هم سوار اتومبیل همراه با راننده شد. همه ماهایی که با اتوبوس به محل کارمان می‌رفتیم بعد از شروع ترورهای منافقین اتومبیل ضدگلوله و محافظ گرفتیم، شهید رجایی هم با ضدگلوله رفت‌وآمد می‌کرد، محافظ و پس‌رو و پیش‌رو داشت. من، هم محافظ و پس‌رو داشتم و هم محافظ در ماشینم بود.

در تبدیل نهضت به نظام این مشکلات به‌وجود می‌آید، دکتر شریعتی خیلی خوب بحث نهضت و نظام را باز کرده و ما هم همین مشکل را داشتیم و داریم که بخشی از آن گریزناپذیر است. علت اینکه نهضت ما هم تغییر کرد این است که کم‌وبیش نهضت به نظام تبدیل شده و نظام هم روزبه‌روز قدرتمندتر شده و امکانات بیشتری کسب کرده و از این امکانات استفاده کرده است. یک خاطره جالب از ایشان دارم؛ روز اولی که رجایی نخست‌وزیر شده بود مطابق معمول به اتاقش رفتم. تا مرا دید گفت بهزاد می‌دانی چه شده؛ تا حالا هیچ‌وقت نخست‌وزیر نبودم، بلد نیستم که چطور باید نخست‌وزیری کرد. البته با طنز ولی واقعا با نگرانی این را گفت. این گذشت و ماجرای هفتم تیر رخ داد و بنی‌صدر فرار کرد و انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار و رجایی رئیس‌جمهور شد. باز که به اتاقش رفتم، گفت بهزاد می‌دانی چه شد؟ تا یک خرده نخست‌وزیری را یاد گرفتم، حالا رئیس‌جمهور شده‌ام. باز نمی‌دانم رئیس‌جمهور چه کار باید بکند.

چرا بعد از درگذشت یا شهادت بزرگانی مثل شهید رجایی به بحران سیاست‌گذاری دچار شدیم و راه‌حل خروج از این بحران چیست؟

راه‌حل مرا می‌خواهید یا راه‌حل شهید رجایی را؟

راه‌حل شما را، شهید رجایی که الان نیستند.

ادامه صفحه ۱۰

اخبار ویژه ...

قانع کننده نبود

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی گفت: آنچه تاکنون مسلم است این که هم فدراسیون و هم وزارت ورزش در پرونده ویلموتس کوتاهی کرده‌اند و ابعاد مختلف مساله باید بررسی شود. حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر گفت: بررسی پرونده ویلموتس، سرمربی سابق تیم ملی با قوت و قدرت در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی دنبال می‌شود؛ منتها هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌ایم. رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی گفت: متولیان وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال در کمیسیون حاضر شدند و توضیحات شفاهی نیز دادند که این توضیحات قانع کننده نبود. قرار است مستندات مکتوبی در این زمینه ارائه شود و پرونده همچنان ساری و جاری است و شنبه نیز مجدد در کمیسیون جلسه‌ای در مورد سرمربی سابق تیم ملی داریم. او بیان کرد: آنچه تاکنون مسلم است این که هم فدراسیون و هم وزارت ورزش در این زمینه کوتاهی کرده‌اند و ابعاد مختلف مساله باید بررسی شود.

ظریف حاضر نمی‌شود؟

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در پاسخ به سوال خبرنگاران در خصوص برخی اخبار منتشره در زمینه غیبت ایشان در نشست های هیات دولت اظهار داشت: در شرایطی که رژیم ترامپ و صهیونیست‌ها تمامی تلاش خود را برای فشار اقتصادی، سیاسی و امنیتی بر جمهوری اسلامی ایران بسیج کرده‌اند، بنده و همکارانم در وزارت امور خارجه و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران، شبانه روزی تمام وقت خود را برای ناکام کردن این تلاش‌ها اختصاص داده‌ایم و از هیچ اقدامی برای سربلندی کشور و برافراشته ماندن پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی بر فراز سفارتخانه‌های ایران در سراسر جهان کوتاهی نکرده ایم بلکه با دیپلماسی فعال و مبتکرانه حتی در شورای امنیت ملل متحد این پرچم مقدس را همچون خاری در چشمان آمریکا و اذنابش نشانده‌ایم. دکتر ظریف افزود: سه پیروزی بی سابقه دیپلماتیک در شورای امنیت در همین چند هفته هدیه ناقابل دستگاه دیپلماسی به ملت بزرگ ایران در ایام هفته دولت است. ایشان در پایان گفت: این راه سخت اما پرافتخار اگرچه ابزار مناسب و متناسب نیاز است، هیچ وقفه و کم کاری نخواهیم داشت و برای تامین منافع ملی از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.

ردپای حسن رعیت

روزنامه شرق نوشت: عمده قطعات وارداتی در این قالب عبارت است از بلبرینگ‌ها، قطعات سیستم ترمز AB، قطعات EMS، فرمان خودرو، کویل، لنت ترمز، سنسورها، دینام، استارت و.... با توجه به خریدی در حدود ۲۵۰ میلیون یورو در واحد PCP در بازه زمانی ۹۵ تا نیمه ۹۸، رقمی بین ۳۸ تا ۵۰ میلیون یورو مازاد پرداختی، عاید شرکت‌های واسطه معرفی‌شده از سوی گروه عظام شده است. گویا حسن رعیت، دوست و همراه بابک زنجانی، در پرونده اختلالات صنعت خودرو نیز نقش داشته است. گزارش تحقیق‌وتفحص مجلس دهم از صنعت خودرو نشان می‌دهد گروه عظام به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی قطعات ایران‌خودرو، به‌جای تعمیق ساخت داخل قطعات مورد نیاز این شرکت‌ها، آنها را از طریق شرکت‌های واسطه‌ای وارد کرده و بین ۳۸ تا ۵۰ میلیون یورو پول اضافه صرفا برای بسته‌بندی این قطعات در شرکت‌های واسطه‌ای به صنعت خودرو تحمیل کرده که برخی از این شرکت‌های واسطه‌ای متعلق به حسن رعیت هستند؛ متهم خبرسازی که پس از دستگیری، تا مدت‌ها بحث بر سر باغ‌وحش خانگی‌اش و شناسایی ۱۷ قلاده ببر در باغ‌وحش متعلق به او، ادامه داشت.

پاسخ صریح واعظی

چند روزی است شایعه هایی درباره قهر محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه و عدم حضور او در جلسات اخیر هیات دولت به گوش می رسد. در همین راستا، محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس جمهور، در حاشیه هیات دولت در پاسخ به سوالی درباره علت عدم حضور وزیر امور خارجه در جلسات اخیر هیأت دولت گفت: آقای ظریف به دلیل کاری که برایشان پیش آمده در جلسه نبودند و هفته‌ی گذشته نیز در مسافرت بودند. آقای ظریف در جلسه روز یکشنبه حضور داشتند.

بازداشت شش مدیر تلگرامی

سرهنگ علی ولیپور گودرزی با اشاره به بازداشت شش مدیر کانال تلگرامی دلالان ارزی، در این رابطه اظهار کرد: در رصدهای اطلاعاتی و پالایشهای فنی بازار ارز در فضای مجازی، تعدادی کانال تلگرامی دلالان ارز که نقش ویژه‌ای در تعیین قیمت و گرانی‌های اخیر بازار ارز داشته‌اند، شناسایی شدند و بررسی موضوع در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ قرار گرفت. رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ عنوان کرد: در بررسی به عمل آمده مشخص شد این گروه‌ها هرکدام حداقل ۱۶۰ عضو داشته که با خرید و فروش ارز غیرقانونی باعث ایجاد نوسانات قیمت بازار ارز و سیر صعودی قیمتها شده‌اند. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه در این تحقیقات پلیسی شش گروه تلگرامی شناسایی شد، تصریح کرد: در ادامه تحقیقات، هویت مدیران گروه‌های تلگرامی شناسایی و با هماهنگی‌های قضائی هر شش مدیر کانال تلگرامی دستگیر و گروه‌های آنها مسدود و حذف شد. وی تصریح کرد: برخورد با اخلالگران اقتصادی یکی از اولویتهای کار پلیس امنیت اقتصادی تهران است و پلیس با قاطعیت با اخلالگران نظام اقتصادی مقابله می‌کند. گودرزی تصریح کرد: متهمان با صدور قرار مجرمیت توسط مراجع قضائی برای تکمیل تحقیقات در اختیار این پلیس قرار دارند.

۱۸۰۰ نخبه ایرانی

سورنا ستاری، رئیس بنیاد ملی نخبگان، در حاشیه جلسه ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور در جمع خبرنگاران: خوشبختانه با اتفاقاتی که در حوزه توسعه اقتصاد دانش‌بنیان روی داده است و مسائل دیگری که به وجود آمده است آمار خروج نخبگان کاهش یافته است. رئیس بنیاد ملی نخبگان تصریح کرد: تأکید بنیاد ملی نخبگان به سیاست‌های بازگشت، برای فارغ‌التحصیلان است و آمار بازگشت نخبگان به کشور در زمان حاضر ۱۸۰۰ نفر را از ۲۰۰ دانشگاه برتر دنیا رد کرده که بعد از کرونا این آمار رو به افزایش بوده است. ستاری افزود: این آمار ریز و به‌تفکیک تمام رشته‌ها حتی رشته‌های تحصیلی داخل دانشگاه‌ها، مثل مهندسی برق و مکانیک و عمران همچنین در حوزه‌های پزشکی و حوزه‌های علوم انسانی و حقوق و روانشناسی به‌طور خاص، با مطالعه‌ای که در بنیاد شده بود در اختیار اعضای ستاد قرار گرفت. وی ابراز کرد: در زمان حاضر جامعه آماری که در بنیاد ملی نخبگان تحت مطالعه است قریب به هفتاد هزار نفر است، که مطالعات ما در بنیاد، در خصوص بحث خروج و دلایل خروج نخبگان از کشور است. ستاری همچنین گفت: با بانک اطلاعاتی که بنیاد نخبگان در مورد فارغ‌التحصیلان خارج از کشور دارد، چند صد نفر از این فارغ‌التحصیلان را رصد کردیم تا بتوانیم در سیاست‌های بازگشت روی این افراد کار کنیم.

سادیسم دارد

رئیس پلیس تهران گفت: کیوان امام‌وردی به ارتکاب جرم اقرار کرده اما مدعی شده که مبتلا به سادیسم است. سردار حسین رحیمی درباره آخرین روند رسیدگی به پرونده کیوان امام‌وردی، گفت: تاکنون شاکیان زیادی در رابطه با این پرونده به پلیس مراجعه کرده‌اند و مراجعات شاکیان کماکان ادامه دارد و پرونده در دست رسیدگی است. رئیس پلیس تهران بزرگ ادامه داد: این متهم خودش نیز به جرم و تخلفش اقرار کرده اما مدعی شده که سادیسم دارد اما اینگونه نیست. رحیمی خاطرنشان کرد: پلیس امانتدار مردم است و به دنبال اثبات جرم رخ‌داده هستیم و افرادی که توسط این شخص مورد اذیت و آزار و تعرض قرار گرفته‌اند بدانند که نام و مشخصات آنها نزد پلیس محفوظ خواهد ماند.

عملیاتی نیست

محمد صدر درباره وضعیت همکاری بانک‌های چین و روسیه با ایران و احتمال عدم همکاری این بانک‌ها با ایران به دلیل بحث FATF، گفت: رییس اتاق بازرگانی ایران و چین درباره این مساله توضیح دادند که ظاهرا بانک‌های روسیه و چین با ایران همکاری نمی‌کنند. من هم این موضوع را شنیدم و مثل اینکه صحت دارد. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره آخرین وضعیت بررسی طرح FATF در این مجمع، گفت: متاسفانه این طرح را کنار گذاشتند. وی در پاسخ به این پرسش که چه زمانی FATF در مجمع بررسی خواهد شد، گفت: هنوز چیزی گفته نشده و زمان بررسی مجدد این موضوع در مجمع مشخص نیست. صدر همچنین درباره قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین و بررسی این موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام، تصریح کرد: این موضوع همچنان در وزارت امور خارجه دنبال می‌شود و هنوز چیزی در مجمع درباره این قرارداد مطرح نشده است. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به این پرسش که آیا بدون اجرای FATF و با توجه به عدم همکاری بانک‌های چینی با ایران، اجرای قرارداد ۲۵ ساله سرانجامی خواهد داشت، اظهارکرد: قطعا تا زمانی که این قضایا حل نشده و همکاری بانک‌ها با ایران مهیا نشود، اجرای این قرارداد معنایی نخواهد داشت. به گفته وی، امروز نیاز است که مجمع به بحث FATF ورود کند ولی متاسفانه هنوز این اتفاق رخ نداده است.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
44424969
44424999